

روزنامه سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، ورزشی صبح ایران

صاحب امتیاز و مدیرمسئول: مهدی رحمانیان

نشانی: تهران: میدان فاطمی، خیابان بهرام‌مصیری، پلاک ۲۲ • تلفن گویا: ۸۸۹۲۵۴۶۷ • نمابر: ۸۸۹۲۵۴۶۷

تلفن آگهی‌ها: ۸۶۰۳۶۱۱۹ • تلفن امور آگهی‌های شهرستان‌ها: ۷-۴۴۰۱۹۸۰۵ • تلفن امور مشترکین: ۸۸۹۰۳۵۴۸

توزیع: موسسه مطبوعاتی نشرگستر امروز نوین • تلفن: ۰۹۳۸۵۲۳۱۰۱۶ • چاپ: صمیم

شترق

پنجشنبه ۲۵ تیر ۱۴۰۵ • ۱ صفر ۱۴۴۸ • ۱۶ جولای ۲۰۲۶ • سال بیست‌ودوم • شماره ۵۴۲۸ • صفحه ۵۰۱

اذان ظهرتهران ۱۲:۱۰ • اذان مغرب ۱۹:۴۱ • اذان صبح فردا ۳:۱۹ • طلوع آفتاب ۵:۰۱

www.sharghdaily.com

aparat:tasvirshargh

Telegram:SharghDaily

youtube:sharghdaily

twitter:sharghdaily

instagram:sharghdaily1

راهروهای بی‌پایان؛ فرسایش روان در بوروکراسی ایرانی

فرهاد نوایی؛ تقریباً همه ما صحنه‌ای مشابه را تجربه کرده‌ایم؛ برای پیگیری یک درخواست ساده، راهی اداره‌ای می‌شویم. تصور می‌کنیم با ارائه چند مدرک و طی کردن مراحل مشخص، کار در مدت کوتاهی به سرانجام خواهد رسید. اما ماجرا معمولاً شکل دیگری پیدا می‌کند. یک امضا کم است، نسخه جدیدی از مدرک باید ارائه شود، مسئول مربوطه جلسه دارد. پرونده هنوز به بخش بعدی نرسیده است، سامانه قطع است. نامه باید دوباره ثبت شود، باید به شعبه دیگری مراجعه کنید. گاهی نیز کارمند جدید برداشت متفاوتی از همان مقرراتی دارد که همکار او چند روز قبل بر مبنای آن تصمیم دیگری گرفته بود. در ظاهر، هیچ اتفاق غیرعادی‌ای رخ نداده است؛ نه نزاعی وجود دارد و نه برخورد خشنی صورت گرفته است. با این حال، بسیاری از شهروندان پس از هفته‌ها یا ماه‌ها رفت‌وآمد، با احساسی مشترک محل را ترک می‌کنند؛ احساسی که ترکیبی از خستگی، دلزدگی، بی‌اعتمادی و ناامیدی است. مسئله فقط زمان از‌دست‌رفته نیست؛ آنچه افراد را فرسوده می‌کند، مواجهه مداوم با وضعیتی است که در آن رابطه روشنی میان تلاش و نتیجه دیده نمی‌شود. بخش مهمی از این تجربه به ویژگی خاصی از بوروکراسی ایرانی بازمی‌گردد. در بسیاری از کشورها، شهروند ممکن است از طولانی‌بودن روندها یا پیچیدگی مقررات شکایت داشته باشد، اما دست‌کم می‌داند اگر قواعد مشخصی را رعایت کند، نتیجه نسبتاً قابل پیش‌بینی خواهد بود. در ایران، مشکل فقط کندی کار یا حجم مقررات نیست، بلکه قرارگرفتن در چرخه‌ای از ارجاع‌ها، تأخیرها و ابهاماتی است که فرد نمی‌تواند منطق آنها را درک کند. انسان زمانی فشار را بهتر تحمل

می‌کند که بداند چرا باید صبر کند؟ اما وقتی میان انتظار و نتیجه رابطه‌ای قابل فهم وجود نداشته باشد، خستگی به سرعت جای خود را به استیصال می‌دهد. در ایران این وضعیت اغلب شکل شدیدتری به خود می‌گیرد. شهروند نه‌فقط با قواعد پیچیده، بلکه با تغییر مداوم تفسیر قواعد نیز مواجه می‌شود. آنچه امروز پذیرفته شده، ممکن است فرد ارد شود. مدرکی که یک واحد اداری کافی می‌داند، از نظر بخش دیگر ناقص تلقی شود. در چنین فضایی، نااطمینانی به بخشی از تجربه روزمره تبدیل می‌شود. برای درک پیامدهای این وضعیت، روان‌شناسی توضیح مهمی ارائه می‌دهد. مارتین سلیگمن در نظریه «درماندگی آموخته‌شده» نشان داد هنگامی که افراد بارها تلاش می‌کنند اما میان کوشش آنان و نتیجه نهایی ارتباط قابل مشاهده‌ای وجود ندارد، به تدریج احساس کنترل خود بر محیط را از دست می‌دهند. این فقط یک احساس گذرا نیست، فرد کم‌کم یاد می‌گیرد که تلاش‌کردن فایده‌ای ندارد. بسیاری از تجربه‌های اداری در ایران دقیقاً چنین الگویی را بازتولید می‌کنند. مراجعه‌کننده در ابتدا پیکیر است، تلفن می‌زند، نامه می‌نویسد، مراجعه می‌کند، اعتراض می‌کند و پاسخ می‌خواهد، اما پس از چندین بار مواجهه با بن‌بست، بخشی از انگیزه او تحلیل می‌رود. در نهایت، گزاره‌ای شکل می‌گیرد که شاید یکی از پرترکران‌ترین عبارات زندگی روزمره ایرانیان باشد: «بی‌خیال، ارزشش را ندارد». این جمله در ظاهر ساده است ولی از منظر روان‌شناختی معنای عمیقی دارد. فرد دیگر فقط از یک پرونده منصرف نشده؛ او بخشی از اعتماد خود را به اثربخشی کنش فردی از دست داده است. به بیان دیگر، احساس عاملیت

یاد

به مناسبت سالگرد کوچ مهندس قصه در ادبیات معاصر

اسماعیل فصیح؛ راوی خونسرد طبقه متوسط

روایتگری در مرز مهاجرت و جنگ

اگر بخواهیم رمان‌های فصیح را کالبدشکافی کنیم، با یک

پرونده جامع اجتماعی روبه‌رو می‌شویم. برخلاف بسیاری از هم‌عصرانش که یا به سراغ قهرمان‌های روستایی می‌رفتند یا در پی اسطوره‌سازی از حاشیه‌نشینان بودند، او دوربین خود را مستقیم روی طبقه متوسط شهری تنظیم کرد.

شخصیت‌های فصیح آدم‌های شگفت‌انگیزی نیستند؛ آنها کارمند، مهندس، مترجم یا معلم‌هایی هستند که درگیر مشکلات روزمره، مسائل عاطفی، بحران‌های مهاجرت و تغییرات ناگهانی سیاسی شده‌اند. رمان‌هایی مثل «ثرا در اغما» نمونه‌ای کامل از این نگاه است؛ فصیح در این کتاب نه‌تنها به مهاجرت می‌پردازد، بلکه اضطراب وجودی و روشنفکر ایرانی را در مواجهه با جهان بیرون ترسیم می‌کند. او همچنین در «مستان ۶۲» با دقتی حیرت‌آور زندگی در تهران زمان جنگ را بدون قراردادن جنگ در هاله‌ای از تقدس یا نکوهش مطلق روایت و صرفاً بودن در آن شرایط را ترسیم می‌کند. قدرت اصلی فصیح در حذف خود نویسنده

از متن است. او هرگز میان خواننده و حقیقت داستان قرار نمی‌گیرد. نثر او شیشه‌ای است؛ یعنی خواننده از میان کلمات او خود واقعیت را می‌بیند، نه سبک نویسنده را. این تکنیک بسیار دشوارتر از نوشتن جملات پیچیده است. ساده‌نویسی فصیح حاصل یک انضباط سخت‌گیرانه بود. او می‌دانست چگونه اطلاعات فنی مانند فضای شرکت نفت یا محیط بیمارستان را با تاروپود داستان گره بزند تا برای خواننده باورپذیر باشد. این همان جایی است که مدیریت دانش و تجربه زیسته او در خدمت ادبیات قرار می‌گرفت. فصیح نیازی به خیال‌بافی نداشت، چون تجربه‌های واقعی‌اش به اندازه کافی غنی بودند.

خبرخوانی

خبری از ۲۲ هزار شیء طلا نیست

مجموعه‌ای با بیش از ۲۲ هزار شیء طلایی که نزدیک به نیم‌قرن است میان جنگ، کودتا، غارت و تغییر حکومت‌ها دست به دست می‌شود، بار دیگر ناپدید شده است و طالبان درباره مکان و امنیت آن پاسخ‌گو نیستند. ماجرا از سال ۱۹۷۸ آغاز شد؛ یاستان‌شناسان ابتدا بقایای یک معبد متعلق به عصر آهن را پیدا کردند، اما ناگهان برق یک قطعه طلای کوچک نیز زیر آفتاب، مسیر حفاری را تغییر داد. آنها با ادامه کاوش، به آرامگاه‌هایی رسیدند که مردان و زنانی از دو هزار سال پیش با تاج‌های طلایی، گردنبندهای پرزرق‌وبرق، خنجرهای مرصع و هزاران شیء ارزشمند دیگر در آن دفن شده بودند. به گزارش خبرآنلاین آخرین بار



این روزها بسیاری از ایرانیان به‌خصوص ساکنان غرب و جنوب ایران، شکل دیگری از زندگی را تجربه می‌کنند؛ زندگی در گرمای طاقت‌فرسای تابستان و اصابت‌های گاه و بیاگاه پرتابه‌های ارتش تروریستی آمریکا که بعد از اعلام یک‌طرفه آغاز مجدد جنگ و پایان تفاهمنامه اسلام‌آباد، بر سر شهرها می‌ریزد. از طرفی طبق اعلام سازمان هواشناسی، در دو هفته آینده ایران گرم‌ترین روزهای سال را تجربه خواهد کرد. عکس: علیرضا محمدی، ایسنا

بخشی از سرمایه اجتماعی جامعه نیز از بین رفته است. اصلاح این وضعیت صرفاً با افزایش سامانه‌ها، صدور بخش‌نامه‌های جدید یا افزودن لایه‌های اداری بیشتر ممکن نخواهد بود. تجربه سال‌های اخیر نشان داده است بسیاری از این راهکارها نه‌تنها به کاهش پیچیدگی منجر نشده‌اند، بلکه در مواردی خود به بخشی از مسئله تبدیل شده‌اند. شهروندی که پیش‌تر میان اتاق‌ها و طبقات سرگردان بود، اکنون گاه میان سامانه‌ها، درگاه‌ها، کدهای رهگیری و نظرسنجی‌هایی رفت‌وآمد می‌کند که در عمل تأثیر ملموسی بر اصلاح عملکرد اداری ندارند. مشکل اصلی کمبود فرم و سامانه نیست؛ مسئله، ضعف اجرای قانون و فقدان پاسخ‌گویی مؤثر است. شاید راه‌حل را بتوان در همان «یک کلمه» مشهور مستشارالدوله جست‌وجو کرد: قانون. نه قانونی که صرفاً نوشته شود، بلکه چیزی که اجرا شود؛ قانونی که برای مدیر و کارمند متخلف هزینه واقعی ایجاد کند؛ قانونی که شهروند بتواند بر مبنای آن حق خود را مطالبه کند و از مسیرهای روشن و قابل دسترس، تخلفات را پیگیری کند. جوهره بوروکراسی مدرن نیز چیزی جز همین نیست؛ اجرای یکسان قواعد، پاسخ‌گویی مسئولان، نظارت مؤثر بر عملکرد کارکنان و حذف نفوذ سلیقه‌های شخصی از فرایند تصمیم‌گیری.

آسیب دیده است. پیامد این فرایند محدود به روان افراد باقی نمی‌ماند. هنگامی که میلیون‌ها نفر بارها چنین تجربه‌ای را پشت سر می‌گذارند، آثار اجتماعی گسترده‌ای ظاهر می‌شود؛ اعتماد به نهادهای عمومی کاهش می‌یابد، تمایل به مشارکت مدنی افت می‌کند، شهروندان نیز مواجه می‌شود. آنچه امروز پذیرفته شده، ممکن است فرد ارد شود. مدرکی که یک واحد اداری کافی می‌داند، از نظر بخش دیگر ناقص تلقی شود. در چنین فضایی، نااطمینانی به بخشی از تجربه روزمره تبدیل می‌شود. برای درک پیامدهای این وضعیت، روان‌شناسی توضیح مهمی ارائه می‌دهد. مارتین سلیگمن در نظریه «درماندگی آموخته‌شده» نشان داد هنگامی که افراد بارها تلاش می‌کنند اما میان کوشش آنان و نتیجه نهایی ارتباط قابل مشاهده‌ای وجود ندارد، به تدریج احساس کنترل خود بر محیط را از دست می‌دهند. این فقط یک احساس گذرا نیست، فرد کم‌کم یاد می‌گیرد که تلاش‌کردن فایده‌ای ندارد. بسیاری از تجربه‌های اداری در ایران دقیقاً چنین الگویی را بازتولید می‌کنند. مراجعه‌کننده در ابتدا پیکیر است، تلفن می‌زند، نامه می‌نویسد، مراجعه می‌کند، اعتراض می‌کند و پاسخ می‌خواهد، اما پس از چندین بار مواجهه با بن‌بست، بخشی از انگیزه او تحلیل می‌رود. در نهایت، گزاره‌ای شکل می‌گیرد که شاید یکی از پرترکران‌ترین عبارات زندگی روزمره ایرانیان باشد: «بی‌خیال، ارزشش را ندارد». این جمله در ظاهر ساده است ولی از منظر روان‌شناختی معنای عمیقی دارد. فرد دیگر فقط از یک پرونده منصرف نشده؛ او بخشی از اعتماد خود را به اثربخشی کنش فردی از دست داده است. به بیان دیگر، احساس عاملیت



طرح تابستانه حامی

ارسال بسته‌های تابستانه به ۶۶ کتابخانه در مناطق کم‌برخوردار

هر بسته ۱۰ میلیون تومان

شما با واریز هر مبلغی می‌توانید در این طرح مشارکت کنید

شماره کارت پاسارگاد:	۵۰۲۲-۲۹۱۹-۰۰۰۴-۶۵۹۸
شماره حساب:	۲۶۸-۸۱۰۰-۱۱۶۲۸۴۰۴-۱
شماره شب:	۱۶۲۸-۴۰۴۱-۸۱۰۱-۰۲۶۸-۰۵۷۰-۱۷۲۳



www.hamiasociation.org

@Hami_association

+982188843897

اتفاق‌خوانی

دلهره مجازی‌شدن مدارس در سال آینده

انتشار اخباری درباره احتمال مجازی‌شدن مدارس در سال تحصیلی ۱۴۰۵-۱۴۰۶ با هدف صرفه‌جویی در مصرف انرژی، موجی از نگرانی را میان خانواده‌های دانش‌آموزان به راه انداخته است؛ نگرانی‌هایی که فقط به کیفیت آموزش محدود نمی‌شود، بلکه از نبود زیرساخت مناسب اینترنت، به‌ویژه در مناطق روستایی تا افزایش آسیب‌های فضای مجازی و کم‌رنگ‌شدن نقش تربیتی و اجتماعی مدرسه را در بر می‌گیرد. مدرسه فقط چهار دیوار و چند نیمکت نیست؛ جایی است که کودکان و نوجوانان، علاوه بر خواندن و نوشتن، زندگی‌کردن را تمرین می‌کنند؛ جایی که دوستی‌ها شکل می‌گیرد، مهارت‌های اجتماعی آموخته می‌شود، استعدادها کشف می‌شوند و شخصیت آینده یک نسل آرام‌آرام ساخته می‌شود. با این حال، انتشار اخباری درباره احتمال مجازی‌شدن مدارس در سال تحصیلی ۱۴۰۵-۱۴۰۶ به دلیل مدیریت مصرف انرژی، بار دیگر خاطرات تلخ دوران آموزش غیرحضوری را برای بسیاری از خانواده‌ها زنده کرده و موجی از نگرانی و گلایه را در میان آنان به وجود آورده است.

به گزارش ایسنا، بسیاری از والدین معتقدند تجربه سال‌های گذشته نشان داده است آموزش مجازی هرچند در شرایط اضطراری راهکاری اجتناب‌ناپذیر بود، اما هرگز نتوانست جایگزین کامل کلاس درس شود. این نگرانی در استان‌ها و مناطق روستایی دوچندان است؛ جایی که اینترنت ضعیف، نبود پوشش مناسب شبکه، کمبود تجهیزات هوشمند و مشکلات اقتصادی، دسترسی برابر دانش‌آموزان به آموزش را با چالش‌هایی جدی روبه‌رو می‌کند و فاصله آموزشی میان مناطق مختلف را افزایش می‌دهد.

از سوی دیگر، کارشناسان آموزشی و روان‌شناسان نیز هشدار می‌دهند که مدرسه صرفاً یک مرکز آموزشی نیست، بلکه مهم‌ترین بستر تربیت اجتماعی، پرورش مهارت‌های ارتباطی، فعالیت‌های فرهنگی، ورزشی و شکل‌گیری هویت دانش‌آموزان به شمار می‌رود.